مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ششم | چهارشنبه ۱۲ قوس ۱۳۸۲ | ۹ شوال المکرم ۱٤۲٤ – | 3 December 2003

سرمقاله

مسؤولیت نمایندگان لویه جرگۀ تصویب قانون اساسی

ص۳

حد به چه چیز ثابت می شود؟

ص۷

مسودۀ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

مسوده وچند زاویۀ دید

نشر مسودۀ قانون اساسی زمینه را برای بحث در مورد آن در میان اقشار مختلف جامعه فراهم ساخت. عده یی به این پدیده با اضطراب می نگرند، برخی دیگر با آن که مسوده را مطلوب نمی دانند اما هنوز امیدوار هستند که بتوان اصلاحاتی را در آن وارد ساخت و در این میان عده یی هم با بی علاقگی با آن برخورد می نمایند وحتی از اظهار نظر در مورد آن خود داری می ورزند ودلیل می آورند که هر حکومت ونظامی که بیاید برای خود قانون اساسی می سازد و مردم هرگز سهم لازم در تهیۀ آن نمی داشته باشند.



محمد ولی ناصری استاد انستیتوت طب کابل

پوهیالی محمد ولی ناصری استاد انستیتوت طب کابل در مورد نوع نظام آیندۀ کشور می گوید:

«به نظر من نظام پارلمانی بهترین مدل برای افغانستان است وحتی می تواند که صلاحیت های صدر اعظم بیشتر از رئیس جمهور باشد من جداً طرفدار یک نظام اسلامی هستم و این از ضروریات مهم برای جامعه یی مانند افغانستان است.

دکتر ناصری در مورد شرایط صحت عامه در قانون اساسی گفت:

«با آن که مردم ناتوانند، اما من طرفدار عرضۀ کاملاً مجانی خدمات طبی نیستم. اگر اجرتی بسیار اندک نیز مطابق قانون وضع گردد، بر ازدحام در شفاخانه ها اثر مثبت می گذارد. باور کنید برخی از مردم به گونۀ عادت وتفریح به شعبه عاجل مراجعه می کنند زیرا همه چیز مجانی است.

قانون اساسی باید زمینه را طوری مساعد سازد که به جلب سرمایه گذاری های خصوصی در عرصۀ صحت عامه بینجامد. به تأسیس لابراتوارهای تشخیصی بسیار ضرورت است وحتی اگر خارجی ها هم در این زمینه سرمایه گذاری کنند، اقدام بسیار نیک ص۵



محمد سلیمان محصل حقوق



سید جلیل محصل فارمسی

بحثی در پیرامون

نهاد ناظر برتطبیق ورعایت قانون اساسی

عبدالحمید هامی قاریزاده

چه گونه نهادی برتطبیق ورعایت قانون اساسی نظارت کند؟ این سؤالی است که همزمان باتصویب قانون اساسی به وجود می آید وواضح است که نظارت بر تطبیق و رعایت قانون اساسی از [illegible]

در کشورما [illegible] وجود [illegible] است وبه همین [illegible] است که [illegible] درمیان عامۀ مردم نسبت به قانون وقانونمندی وجود ندارد ودلیل آن عدم رعایت قانون در خلای حضور یک نهاد ناظر [illegible] به گونه مثال:

در مادۀ۲۰۷ [illegible] اساسی افغانستان سال۱۳۹۹ [illegible] به عنوان نخستین [illegible] قانون اساسی [illegible] کشور ماثبت شده است [illegible] ص۳

خلیلزاد:

افغانستان از اولویت های سیاست خارجی ماست



زلمی خلیلزاد، سفیر جدید ایالات متحدۀ آمریکا در افغانستان، با تقدیم اعتماد نامۀ خود به حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ، رسما آغاز به کار کرد.

آقای خلیلزاد با انتشار بیانیه یی به این مناسبت، از انتصاب خود به عنوان سفیر جدید ایالات متحده در کابل ابراز شادمانی کرده است.

او گفته است: "افتخار دارم و احساس شادمانی می کنم که به عنوان نمایندۀ ویژۀ رئیس جمهور و سفیر کشورم آمریکا در زادگاهم افغانستان خدمت می کنم؛ من افغانستان را از صمیم قلب دوست دارم."

در بیانیۀ سفیر جدید آمریکا در کابل، بار دیگر بر توجه و همکاری واشنگتن با افغانستان تأکید شده است. آقای خلیلزاد گفته است: "آقای بوش به من گفت که افغانستان یکی از اولویتهای عمدۀ سیاست خارجی کاخ سفید است."

او افزود: "دولت و کنگرۀ آمریکا، اخیراً تصویب کرده اند که برای تسریع پیشرفتها در افغانستان، کمک مالی به این کشور در طول سال آینده بیشتر از دو برابر شود."

به گفتۀ سفیر جدید آمریکا در کابل، این اقدام نشانۀ توجه و تعهد جدی رئیس جمهور، کنگره و مردم آمریکا نسبت به موفقیت در افغانستان است. به تعبیر آقای خلیلزاد، افغانستان موفق، افغانستانی است که بار دیگر پایگاه تروریسم نشود، بتواند به نیازهای امنیتی خود پاسخ دهد و به رفاه اقتصادی دست یابد. زلمی خلیلزاد که تا پیش از این به عنوان فرستادۀ ویژۀ رئیس جمهور آمریکا در امور افغانستان مشغول به کار بود، در ماه سپتامبر گذشته، به عنوان سفیر جدید آمریکا در کابل معرفی شد

نگاهی مختصر بر

صلاحیت های رئیس جمهور و آمیختگی واژه های دولت وحکومت

در مسودۀ قانون اساسی ص۲

حامد کرزی در دیدار با اعضای شورای شهروندان کابل:

طرح کابلی وغیر کابلی حرکتی به سوی تفرقه ونفاق است

- **مامورین وزارت اطلاعات وفرهنگ جبراً به جلسات شورا فراخوانده می شوند**

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در ملاقاتی که روز دوم عید سعید فطر باشورای شهروندان کابل داشت اعضای آن شورا را متوجه مسؤولیت های شان ساخت.

گفته می شود که حامد کرزی خطاب به اعضای شورا گفته است که شهرکابل پایتخت افغانستان بوده وبه همه افراد کشور تعلق دارد وطرح کابلی وغیر کابلی حرکتی به سوی تفرقه ونفاق است.

شورای شهروندان کابل تحت ریاست سید مخدوم رهین فعالیت دارد که بعد از تأسیس شورای کابل به ریاست تاج محمد والی کابل ایجاد گردیده است. ص۷

په کوټه کې دطالبانو نوي هلې ځلې

- **پاکستان به دطالبانو په ملاتړ کې لاس ته راغلې ګټې له لاسه ورکړي**
- **پاکستاني پوځیانو له افغانستان سره د پنځمې صوبې په توګه چلن کاوه**

بي بي سي راديو دقومي پرلمنه اسلام اباد کې دطاهرخان پاکستاني خبريال يو رپورټ خپور کړ چې سره لولوي.

«دپاکستان پخواني لومړي وزيرې ويلي چې له افغانستان سره داړيکو خرابوالي دپاکستان پرګټه نه دي او

پاکستان ته يې کار دي چې په افغانستان کې د طالبانو د رژيم ترنسکوريدو ور وروسته په نړيواله کچه له رامنځته شوي حالاتو نه ګټه ترلاسه کړي

د پاکستان پخواني لومړي وزيرې بينظير بوټو د اسلام اباد ۷مخ

تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران

محمد ظاهر شاه در تبعید

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مسؤولیت نمایندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی

چنان که همگان می دانیم لویه جرگه تصویب قانون اساسی در آینده نزدیک برگزار خواهد شد.

مسودهٔ قانون اساسی که توسط دو کمیسیون تسوید و تدقیق و تصرفات و مداخلات ریاست دولت و شورای امنیت و.... که آماده شده بود، سر انجام پس از یک سال تمام در ۱۲ عقرب منتشر گردید، در این لویه جرگه به تصویب خواهد رسید.

از روزی که مسودهٔ قانون اساسی منتشر شده بل پیش از انتشار آن مباحث ومسائل مهم آن توسط اندیشه ورزان و آگاهان مورد بررسی وکالبد شگافی قرار گرفته است.

«مجاهد» به عنوان زبانی از مردم مسلمان این سرزمین در بازتاب دادن نظریات برخی از صاحبنظران و اهل اندیشه در بارهٔ این مسائل ومباحث در شماره های پیشین خود گام هایی برداشته است. اما به گونهٔ بسیار فشرده دراین جا ضمن اشارت به رؤوس آن مباحث توجهٔ نمایندگان را بدان ها معطوف می دارد:

• سیاسی آینده افغانستان باید یک نظام اسلامی ومردم سالار باشد. شعار بنیادین دولت انتقالی و خواستهٔ جامعهٔ جهانی هم همین است که باید نظام سیاسی درافغانستان بر پایه های دموکراسی و مردم سالاری استوار گردد، اما در مسودهٔ قانون اساسی با صلاحیت ها واختیارات طویل و عریضی که به رئیس جمهور تفویض شده است از اساس این شعار بنیادین را خدشه دار می سازد و کشور را بار دیگر به سوی نظام های دکتاتوری پیشین می کشاند، لذا ما به این باور هستیم که ممثل حاکمیت اعلا باید مردم باشند و صلاحیت های اساسی به جای رئیس جمهور، به پارلمان مردم داده شود.

• مأخذ ومرجع قانون گذاری باید شریعت اسلامی قرار گیرد وشریعت اسلامی در طی روزگاران دراز ثابت ساخته است که با پویایی و دینامیسم درونی و به کار گرفتن ابرازی به نام اجتهاد با نیاز همهٔ عصر ها وخواستهٔ همهٔ نسل ها می تواند پاسخ گوید و البته این سخن هرگز به مفهوم از نظر دور انداختن تجارب بشری در عرصه های قانون گذاری و بهره نجستن از آن ها در عرصهٔ زندگی اجتماعی نیست.

• وحدت ملی یکی از فراز های بسیار مهم مورد عنایت در قانون اساسی است باید بدان دلسوزانه و منصفانه برخورد صورت پذیرد و هرگز زمینهٔ آن مهیا نشود که یک بار دیگر اندیشه های تفوق طلبی قومی ونژادی وزبانی برفضای برادری و برابری سایه افگند و مردمانی از فرزندان این سرزمین احساس کنند که شهروندان دست دومی هستند. یگانه راز ورمز تأمین وحدت ملی راستین، بدون برابری وعدالت هرگز نمی شود به وحدت ملی چشم داشت. این باور نتیجهٔ تجربه های بسیار تلخ و طویل در این است.

ملت افغانستان از نمایندگان خویش در این لویه جرگه انتظار دارد که در برابر مسائل اساسی قانون اساسی مسؤولانه موضع بگیرند و با حضور فعال و رسالتمند خویش راه را برای یک افغانستان آزاد وآباد ومردم سالار واسلامی وعدالتمدار هموار بسازند.

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

نگاهی مختصر بر

صلاحیت های رئیس جمهور و آمیختگی واژه های دولت وحکومت

درمسودهٔ قانون اساسی

عبدالحلیم ثاقب خیر آبادی

یک نگاه گذرا برمسوده یاطرح قانون اساسی نشان می دهد که دست اندرکاران آن زحمات زیادی را متحمل شده اند وواقعاً بادر نظرداشت واقعیت های جامعهٔ افغانستان آن را تسوید نموده وملحوظات عصر وجامعهٔ بین المللی را نیز از نظر دور نداشته اند. در صورت تصویب آن از طرف لویه جرگه می توان آن را بحیث یک وثیقهٔ بسیار مهم ملی تلقی نمود.

البته موضوع مصداقیت در هرقانون، چه اساسی وچه فرعی، از موضوعات بسیار مهم پنداشته می شود یعنی قانونی که وضع وتصویب می گردد باید مورد اجرا وتطبیق قرار گیرد وبرهمگان یکسان باشد.

اختیارات وصلاحیت هایی که در این مسوده برای رئیس جمهور در نظر گرفته شده خیلی زیاد است از این جهت مورد انتقاد تعدادی از هموطنان عزیز ما قرار گرفته است. ولی بادر نظرداشت وضع جغرافیایی، قومی ونژادی وطن عزیز ما وشرایط کنونی آن، وجود یک مرکزیت قوی که اطراف ونواحی را باگونه گونی های آن به خود جذب نماید و بادر نظر داشت مصداقیت، آن را انسجام بخشد، از ضروریات پنداشته می شود. برخی از محققان وتحلیلگران ادامهٔ وحدت ایالات متحدهٔ امریکا را در شیرازهٔ کنونی آن، باوجود گسترهٔ وسیع، ایالت های متعدد ونژادهای مختلف برای این مدت طولانی وجود ماده یی در قانون اساسی امریکا می دانند که برای رئیس جمهور در این باره صلاحیت ها واختیارات کافی را تفویض می نماید. البته پوشیده نیست که تحقق این امر به شخصیت، لیاقت واستعداد خود رئیس جمهور هم بستگی دارد.

به هر حال پس از این مقدمهٔ مختصر می خواهم در این نوشتار روی دوموضوع از موضوعات پیش نویس قانون اساسی سخنی چند به عرض برسانم که یکی آن خاص وبه قانون اساسی تعلق دارد ودیگر آن عام وبه قانون وغیر آن مرتبط می شود.

آنچه خاص وبه قانون اساسی بستگی دارد فقرهٔ اول مادهٔ شصت وچهارم در مورد صلاحیت ها واختیارات رئیس جمهور می باشد که مراقبت از اجرای قانون اساسی(و درضمن تطبیق آن را) از جملهٔ صلاحیت ها ووظایف رئیس جمهور می داند. به همگان وخصوصاً به آنانی که به آستان دانشکده های حقوق وقانون گام نهاده وبرکرسی های آن در صحبت استادان حقوق وقانون زانو زده اند روشن است که درجوامع دموکراسی قوهٔ مقننه(پارلمان)، قوهٔ قضائیه(دیوان عالی یاستره محکمه) وقوهٔ اجرائیه(حکومت) هرکدام وظایفی جداگانه دارند. قوانینی که از طرف قوهٔ مقننه وضع ویاتصویب می شود مسؤول اجرای آن قوهٔ اجرائیه ویا حکومت می باشد چنانچه در فقرهٔ اول مادهٔ هفتاد وپنجم مسودهٔ قانون اساسی هم به آن اشاره شده است. هرگاه اختلافی در فهم ودرک قانون ویا تطبیق واجرای آن که البته به اساس همین فهم ودرک صورت می گیرد، رونما گردد، مقام بی طرفی که به حل این اختلاف می پردازد همان قوهٔ قضائیه خواهد بود. نگارندگان مسودهٔ قانون اساسی هم این نکته را از نظر دور نداشته ودر مادهٔ یکصد وبیست ویکم بر آن اشاره نموده اند، ولوکه آن را مشروط به تقاضای قوهٔ اجرائیه ویا شخص مقید نموده اند.

به اساس نص صریح مسودهٔ قانون اساسی، رئیس جمهور در رأس قوهٔ اجرائیه قرار دارد وسپردن صلاحیت مراقبت از اجراآت ویاتطبیق قانون بقوهٔ اجرائیه که در واقع خود مجری آن می باشد، باموضوع بی طرفی یک جریان مراقبت کننده یاناظر ویا تفسیر کنندهٔ قانون که یک اصل مسلم ومهم در جوامع دموکراسی می باشد، منافات دارد.

سپردن صلاحیت مراقبت از اجراآت ویاتطبیق قانون به قوهٔ اجرائیه که در واقع خود مجری آن می باشد، باموضوع بی طرفی یک جریان مراقبت کننده یاناظر ویا تفسیر کنندهٔ قانون که یک اصل مسلم ومهم در جوامع دموکراسی می باشد، منافات دارد.

نکتهٔ دومی واژه ویا کلمهٔ «دولت» می باشد. این واژه در دانشکده های حقوق ونزد علمای قانون مفهومی خاص دارد. برخی از علمای حقوق ویا قانون آن را چنین تعریف می کنند:

دولت عبارت از مجموعه افرادی است که در یک سرزمین معین زندگی می نمایند ودارای نظام(رژیم) خاص وحاکمیت ملی می باشند.

برخی از علمای حقوق ویاقانون، ارگان تشکیل دهندهٔ دولت را سه وبرخی بیشتر می دانند که عبارتند از:

۱- مردم یاملت ۲- سرزمین یاقلمرو ۳- مرزهای معین. ۴- نظم یانظام(رژیم) ۵- حاکمیت ملی.

۱- مردم یاملت که در آن همه مردم یعنی کودک، جوان، پیر، زن، مرد، آمر، مأمور، حاکم، محکوم، رئیس ومرؤوس شامل هستند.

۲- سرزمین یاقلمرو که کوه، زمین، دشت، جنگل، دریا، رودخانه، درخت، فضا وحتی حیوانات را در برمی گیرد.

۳- مرز مشخص که ساحه ویامحدودهٔ هر کشوری را تشکیل می دهد(اگر چه برخی ها آن را در ضمن قلمرو حساب می کنند).

۴- نظم یانظام(رژیم): یعنی آن عده مردمی که در یک ساحه یی معین از سرزمین زندگی دارند باید دارای یک نظم یانظام(رژیم) باشند تابتوانند در سایهٔ آن به زندگی عادی خود ادامه بدهند.

۵- حاکمیت ملی واستقلال را هم برخی از علما از جملهٔ ارکان دولت می دانند.

بر اساس آنچه در بالا گفته آمد مفهوم دولت از حکومت فرق دارد، در حقیقت حکومت(قوهٔ اجرائیه) بخشی از دولت می باشد.

ولی طوری که امروز از خواندن، شنیدن ومشاهدهٔ رسانه های گروهی مانند روزنامه ها، جریدها، رادیو و تلویزیون وسینما استنباط می گردد که مفهوم دولت وحکومت به هم آمیخته شده است واین آمیختگی بیشتر در میان رسانه هایی گروهی به نظر می خورد که به زبان فارسی وپشتو نشرات دارند. رسانه های گروهی که به زبان انگلیسی یاعربی وغیره نشرات دارند هنگام استعمال این دو واژه مفهوم آن ها را به خوبی مراعات می کنند.

رسانه های گروهی ماهم همواره دولت را به معنای حکومت(قوهٔ اجرائیه) به کار می برند در حالی که مفهوم این دو واژه چنانچه در بالا اشاره شد از هم فرقی زیاد دارند. دولت کلمه یی عربی است که ثلاثی مجرد آن اجوف واوی است دولت(بفتح ویاضم دال) مصدر آن می باشد(واگر از این که دولت را چرا دولت می گویند بگذریم) واژهٔ انگلیسی مقابل آن State می باشد.

حکومت هم کلمهٔ عربی است اگر از معنای لغوی آن که بگذریم آن را در زبان عربی حکم، اداره وسلطه هم می گویند واژهٔ مقابل آن در انگلیسی Gover ment. Rule. Authority جمع آن Authorities می باشد.

هنگام وضع پیش نویس قانون اساسی دست اندرکاران آن ظاهراً تحت تأثیر همین رسانه های گروهی قرار گرفته ودر اکثر موارد دولت را به معنای حکومت استعمال نموده اند.

در فصل اول تحت عنوان دولت واژهٔ دولت در برخی از مواد به کار برده شده است، ولی بهتر بود این ماده هادر زیر عنوان حکومت که در فصل چهارم آمده است ذکر می شد. مانند مادهٔ پنجم، ششم، نهم، دهم، سیزدهم، چهاردهم وهفدهم.

در برخی این مواد واژهٔ دولت گاهی به معنای حقیقی آن وگاهی هم به مفهوم حکومت(قوهٔ اجرائیه) در ضمن یک مادهٔواحد آمده است مثلاً در مادهٔ پانزدهم می خوانیم: آثار باستانی ملک دولت می باشد دولت(؟!) مکلف است در مورد حفظ آثار باستانی وبهبود محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

دربخش اول استعمال واژهٔ دولت بجاست ولی در بخش دوم که می گوید دولت مکلف است... نظر به تعریفی که علمای حقوق از دولت ارایه می دارند وماقبلاً به آن اشاره کردیم استعمال این واژه در اینجا مفهومی ندارد. ما عناصر دولت را مردم یاملت، سرزمین (کوه، دشت، فضا ...) و... دانستیم واضح است که از جملهٔ این عناصر همان عنصر نظام- که حکومت جزء آن می باشد- می تواند که به این امر دست یازد نه عناصر دیگر دولت(قلمرو، کوه، دشت، مرزها و...)

این معنی در مورد دیگر موادی که در بالا به آن اشاره شد نیز صدق می کند.

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

بحثی در پیرامون

نهاد ناظر بر تطبیق ورعایت...

«در محکمه های افغانستان محاکمات علانیه اجرا می شود. هرمظنون ویا مدعی ویا مدعی علیه برای مدافعهٔ حقوق خود در صورت رضای خصم ویا عذر شرعی، به گرفتن وکیل های دعوی اختیار دارد.»

یعنی۸۳سال قبل دولت افغانستان اعلام داشته که محاکمه ها علنی است ومتهم حق دارد، شخصاً ویا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند. اما دولت های پیشین طی همین۸۳سال، انسان های بی شماری را به اعدام محکوم کردند، بدون آن که متهم بیچاره حتی از اتهام خود آگاهی حاصل کرده باشد، چه ماند به داشتن وکیل مدافع ومحاکمهٔ علنی!

چراچنان بوده وچراچنین شده است؟

واضح است که در کشور ما نظام های حاکمه، همیشه هم واضع قانون بوده اند، هم تطبیق کنندهٔ آن وهم ناظربر تطبیق آن ومردم ونماینده های شان صرفاً به گونهٔ نمایشی روی صفحات کاغذ مطرح بوده اند وهرگز مرجعی باصلاحیت به نمایندگی از مردم برتطبیق قانون اساسی یا اصولنامه ها ونظامنامه ها نظارت نداشته وحتی نهادی ایجاد نگردیده است.

بسیار جالب است که در مادهٔ۱۱نظامنامهٔ اساسی دولت عالیهٔ افغانستان در سال۱۳۰۷(۷۵سال پیش) می خوانیم:

«مطبوعات واخبارات داخلیه مطابق نظامنامهٔ مخصوص آن آزاد می باشند. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت ویا اهالی تبعهٔ افغانیه است. در بارهٔ مطبوعات خارجه، دولت عالیهٔ افغانستان بعضی شرایط وقیود نهاده می تواند.»

این ماده، امروز بعد از سپری شدن۷۵سال، در پیشرفته ترین کشورهای جهان نیز باعین مفهوم در قوانین اساسی درج است. اما سؤال این است که در طی۷۵سال، چرا کشور ما در عرصهٔ آزادی بیان ومطبوعات عقب مانده ترین کشور دنیا بوده است؟

پاسخ روشن است، زیرا در کشور ما، قانون خوب وتطبیق بد، مروج بوده ومرجع نظارت بر تطبیق ورعایت قانون وجود نداشته است.

باکنجکاوی در سیر قوانین اساسی کشور، موارد بسیاری را می توان یافت که نشان می دهد بر روی کاغذ امری معقول وپذیرفتنی درج بوده، ولی درصحنهٔ عمل، اقدامات مخالف با آن صورت گرفته است وکسی هم حق نداشته است که انگشت انتقاد را مبنی برعدم رعایت قانون، به جانب دولت نشانه بگیرد.

پیشینهٔ نظارت برتطبیق قانون اساسی

در کشور ما صلاحیت نظارت بر تطبیق قوانین ورعایت اصول نامه ها ونظامنامه ها وقانون اساسی، در مراحل مختلف به مراجع مختلف، تعلق داشته است. به ندرت می توان حالاتی را تشخیص داد که در این ارتباط برخورد دموکراتیک ومردم سالار صورت گرفته باشد؛ پس منظر این مساله به گونه یی فشرده چنین است:

۱- در نظامنامهٔ تشکیلات اساسی افغانستان(۱۲۹۹هـ ش۱۹۲۱م) از مسؤولیت وزرا نسبت به امیر بحث شده است واولین بار از شورای دولتی باصلاحیت تقنینی ومشورتی به گونهٔ یک مرجع نیمه نماینده، بحث به میان آمده است. در آن نظامنامه در مورد شورای دولت چنین موادی وجود دارد:

«شورای دولت، مرکز مذاکرهٔ مصلحت های عمومیهٔ ملکیه است. وظایف شورای دولت به دو نوع منقسم است. اول: تنظیمات ملکیه که مراد از تفسیر وتنظیم هرگونه لوایح نظامیه وعلاوه کردن وتعدیل

> **در کشور ما، قانون خوب وتطبیق بد، مروج بوده ومرجع نظارت بر تطبیق ورعایت قانون وجود نداشته است.**

نمودن قواعد آن است.

دوم: محاکمات مامورین ملکیه. شورای دولت در تحت ریاست یک رئیس عمومی اداره می شود، رئیس مذکور داخل هیأت وزرا است... اعضای شورای دولت به نام اعضای طبعیه واعضای منتخبه بردوقسم منقسم می باشند. اعضای منتخبهٔ آن عبارت است از نمایندگان اهالی که از هر ولایت وهر حکومتی اعلی از طرف خود رعایا انتخاب گردیده، به شورای دولت فرستاده باشد. انتخاب اعضای منتخبه شورای دولت مطابق فصل مخصوص انتخابات اجرا می شود... دیگر نفری اعضای طبعیه شورای دولت به قدر لزوم از حضور ملوکانه تعیین می گردند.»

به گونهٔ فشرده می توان گفت که بنا بر مواد فوق در۸۳سال پیش، صلاحیت نظارت برتطبیق نظامنامه(قانون اساسی)، وصلاحیت تعدیل وایزاد مواد آن به شورایی سپرده شده بود که شکل نیمه نماینده(دولتی منتخب) را داشت.

۲- در نظامنامهٔ اساسی دولت عالیهٔ افغانستان(۱۳۰۷هـ ش)، نیز تغییر چندانی در این ارتباط دیده نشده ومواد ذیل در آن جا دارد:

«هر یک از وزرا در سیاست عمومیهٔ دولت مشترکاً و در امور موظفهٔ وزارت متعلقهٔ خود خصوصاً به حضور اشرف ملوکانه مسؤول شناخته می شوند.»

به این ترتیب بازهم از مسؤولیت وزرا نسبت به شاه بحث شده واز«مجالس مشاوره وشورای دولت» به عنوان یک مرجع ناظر یاد شده است که مواد ذیل در مورد آن شورا در نظامنامه وجود دارد:

«در مرکز دارالسلطنه یک هیأت شورای دولت ودر نایب الحکومه گی وحکومت های اعلی و... یک یک مجلس مشوره موجود است. مجالس مشوره وشورای دولت از اعضای طبیعیه واعضای منتخبه مرکب می باشند. اعضای طبیعیه...شورای دولت بالمساوی تعداد اعضای منتخبهٔ شورا، راساً از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی منتخب وتعیین کرده می شوند. اعضای منتخبه تماماً از طرف اهالی معین ومقرر می شوند.»

با آن که در نظامنامهٔ قبلی تعداد اعضای طبیعیه(انتصابی) معین نبود، اما در این نظامنامه از تعداد مساوی آن باتعداد اعضای منتخبه، بحث شده است. عمده ترین صلاحیت

> **باکنجکاوی در سیر قوانین اساسی کشور، موارد بسیاری را می توان یافت که نشان می دهد بر روی کاغذ امری معقول وپذیرفتنی درج بوده، ولی درصحنهٔ عمل، اقدامات مخالف با آن صورت گرفته است وکسی هم حق نداشته است که انگشت انتقاد را مبنی برعدم رعایت قانون، به جانب دولت نشانه بگیرد.**

این شورا به عنوان شورای ناظر، چنین تذکر یافته است:

«اگر در حقوقی که موافق این نظامنامه برای اهالی داده شده، از یک طرف اخلال واضاعه ملاحظه کنند، در نزد حکومت صلاحیت عرض واستغاثه را دارند.»

یعنی تمام صلاحیت شورا در صورت ملاحظه وتشخیص تخطی از نظامنامه(قانون)، خلاصه می شد به بردن شکایت واستغاثه به حکومت؛ اما با وجود آن می توان گفت که بازهم به منظور نظارت بر تطبیق ورعایت قانون، شورایی نیمه نماینده(منتخب وانتصابی) وجود داشت.

۳- در اصولنامهٔ اساسی دولت افغانستان(۱۳۱۰هـ ش) از مسؤولیت وزرا نسبت به شورای ملی بحث شده، ولی باوجود آن نظارت بر تطبیق اصولنامه در مادهٔ۷آن اصولنامه به گونه یی ضمنی از صلاحیت پادشاه خوانده شده است. به اساس مادهٔ۷۱شورای دولتی ومجالس مشاوره به مجالس مشاورهٔ ولایات تغییر نام داده وباصلاحیت های محدود در نظر گرفته شده بود.

۴- در قانون اساسی افغانستان(۱۳۴۳هـ ش) صلاحیت نظارت برتطبیق ورعایت قانون اساسی به اساس ماده هفتم به صورت واضح وکامل به پادشاه تعلق داشت.

۵- در قانون اساسی جمهوریت(۱۳۵۲هـ ش) با آن که صلاحیت تفسیر مواد قانون اساسی به ستره محکمه(دادگاه عالی) سپرده شده بود، اما تطبیق قانون به عهدهٔ حکومت ونظارت از تطبیق آن به عهدهٔ شورای ملی قرار داشت.

۶- بعد از کودتای۷ثور۱۳۵۷که شورای انقلابی ایجاد گردید، قانون اساسی۱۳۵۲لغو شد وبه عوض آن اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان توسط شورای انقلابی تصویب گردید.

صلاحیت تطبیق، تعدیل ونظارت از تطبیق اصول اساسی، از سال۱۳۵۷تا سال ۱۳۶۶به شورای انقلابی تعلق داشت که فقط اعضای ارشد ح.د.خ.ا در آن عضویت داشتند.

۷- برمبنای مادهٔ۱۲۲قانون اساسی سال۱۳۶۶، ایجاد شورای قانون اساسی به منظور مراقبت از مطابقت قوانین فرعی. اسناد تقنینی ومعاهدات بین المللی باقانون اساسی، در نظر گرفته شد.

نخستین شورای قانون اساسی متشکل از رئیس وهشت عضو برای مدت شش سال به وجود آمد واین در حالی بود که مدت کار رئیس جمهور به اساس همان قانون، هفت سال پیش بینی شده بود.

داکتر نجیب در آن هنگام باصدور فرمانی شورای قانون اساسی را باترکیب عبدالوهاب صافی به حیث رئیس ومحمد اکرم عبقری، محمد سلیم مجاز، محمد طاهر بورگی، محمد اسماعیل قاسمیار، محمد امین هایل، مرحوم عبدالهادی فاریزاده، مرحوم امان الله موج وعبدالفتاح سکندری به حیث اعضا، ایجاد نمود. اما باسپری شدن مدت کمی از کار شورای قانون اساسی، بنا بر اختلافات میان ریاست جمهوری وشورای قانون اساسی. داکتر نجیب خود به تخطی از قانون اساسی اقدام نموده وشورای قانون اساسی را از نوباترکیب عبدالوهاب صافی، محمد اکرم عبقری، عبدالفتاح سکندری، عبدالکریم شادان، میر عزیز الحق صعیقی، محمد طاهر بورگی، محمد اسماعیل قاسمیار، ودیر صافی، عبدالله حقایقی ونجیب الله قادری ایجاد نمود وعده یی را که در مواردی سختگیرانه عمل می کند به وظایف دیگری تعیین نمود.

به هرمنوال، در این دوره صلاحیت نظارت بررعایت قانون اساسی ومطابقت سایر قوانین با آن را شورایی به عهده داشت که به اساس فرمان رئیس جمهور ایجاد گردیده بود.

۸- بعد از برقراری دولت اسلامی افغانستان(۱۳۷۱هـ ش)، در گام نخست شورای رهبری به اشتراک رهبران احزاب مجاهدین به وجود آمد که ظاهراً کشور را برمبنای صدور فرامین اداره می کرد. با آن که در این دوره برای تصویب قانون اساسی کوشش هایی صورت گرفت؛ اما جنگ های متداوم در پایتخت کشور مانع به ثمر رسیدن آن کوشش ها گردید.

۹- در ادارهٔ طالبان شورای رهبری طالبان در کابل که تحت ریاست ملاربانی فعالیت داشت، وظیفهٔ طرح وتسوید مقرره ها وقوانین را به عهده داشت، اما هرگونه تصمیم نهایی توسط ملامحمد عمر به عنوان امیر المومنین اتخاذ می گردید واو بود که برتمام نهادهای ادارهٔ طالبان حاکمیت داشت وتصمیم نهایی در هر موردی را اتخاذ می نمود. در مواردی نیز ملاترابی وزیر عدلیهٔ طالبان از تطبیق قانون وفرامین ومقرره های طالبان نظارت می کرد.

ص۵

علامه اقبال

نظام ملت غیر از آیین صورت نبندد

ملتی را رفت چون آیین زدست
مثل خاک اجزای او از هم شکست
هستی مسلم ز آیین است وبس
باطن دین نبی این است وبس
برگ گل شدچون ز آیین بسته شد
گل زآیین بسته شد گلدسته شد
نغمه از ضبط صدا پیداستی
ضبط چون رفت از صدا غوغاستی
در گلوی ما نفس موج هواست
چون هوا پابند نی گردد نواست
توهمی دانی که آئین توچیست؟
زیر گردون سر تمکین توچیست؟
آن کتاب زنده قرآن حکیم
حکمت او لایزال است و قدیم
نسخه ی اسرار تکوین حیات
بی ثبات از قوتش گیرد ثبات
حرف او را ریب نی تبدیل نی
آیه اش شرمنده ی تأویل نی
پخته تر سودای خام از زور او
درفتد با سنگ جام از زور او
می برد پابند و آزاد آورد
صید بندان را بفریاد آورد
نوع انسان را پیام آخرین
حامل او رحمة للعالمین
ارج می گیرد ازو نا ارجمند
بنده را از سجده می سازد بلند
رهزنان از حفظ او رهبر شدند
از کتابی صاحب دفتر شدند
دشت پیمایان زتاب یک چراغ
صد تجلی از علوم اندر دماغ
آن که دوش کوه بارش بر نتافت
سطوت او زهره ی گردون شگافت
بنگر آن سرمایه ی آمال ما
گنجد اندر سینه ی اطفال ما
آن جگرتاب بیابان کم آب
چشم او احمر زسوز آفتاب
خوشتر از آهو رم جمازه اش
گرم چون آتش دم جمازه اش
رخت خواب افگنده درزیرنخیل
صبحدم بیدار از زنگ رحیل
دشت سیر از بام و در نا آشنا
هرزه گردد از حضر نا آشنا
تا دلش از گرمی قرآن تپید
موج بیتابش چو گوهر آرمید
خواند ز آیات مبین اوسبق
بنده آمد خواجه رفت از پیش حق
از جهانبانی نوزاد ساز او
مسند جم گشت پا اندازاو
شهرها از گرد پایش ریختند
صد چمن از یک گلش انگیختند
ای گرفتار رسوم ایمان تو
شیوه های کافری زندان تو
قطع کردی امر خود را در زُبُر
جاده پیمای الی شیء نُکُر
گرتو می خواهی مسلمان زیستن
نیست ممکن جز بقرآن زیستن
صوفی پشمینه پوش حال مست
از شراب نغمه ی قوال مست
آتش از شعر عراقی در دلش
در نمی سازد بقرآن محفلش
از کلاه و بوریا تاج وسریر
فقر او از خانقاهان باج گیر
واعظ دستان زن افسانه بند
معنی اوپست و حرف او بلند
از خطیب و دیلمی گفتار او
با ضعیف و شاذ و مرسل کار او
از تلاوت برتو حق دارد کتاب
تو ازو کامی که می خواهی بیاب

گلفروش

محمد کاظم کاظمی

امشب تمام آینه ها را خبرکنیم
شب غنچه پرور است، به شوقش سحر کنیم
از کوچه می گذشت کسی، گلفروش بود
گل می خریم پنجره را باز تر کنیم
وقت شگفتن است ونشاط و از این قبیل
دیگر چه لازم است که کاری دگر کنیم
فردا اگر نه دست کریمش مدد کند
ما و دل غریب چه خاکی به سر کنیم؟
گفتند گل بر آمده و راست گفته اند
عشرت مفصل است، سخن مختصر کنیم

دو شعر از شهید سید اسماعیل بلخی

دلت از چه غمین است؟

گفتم به مسلمان که؛ دلت از چه غمین است؟
گفتا که؛ برادر! غم من خود غم دین است
دین بود که ما را به جهان غزو علی داد
آواز وی امروز زغربت به طنین است
قرآن زچه شد آلهٔ اغراض سیاسی؟
گفتار جراید همگی شاهد این است
در عصر اتم همت ما جنگ مذاهب
شد کهنهٔ دنیا بر ما رسم نوین است
گه تکیهٔ ما سوی شمال است و گهی غرب
آخر نه مگر ملجأ ما دین مبین است؟
شادیم که هستیم معاهد به اجانب
غافل که بلایی است که ما را به کمین است
از چیست برادر به برادر شده بدبین؟
واز چیست مسلمان به مسلمان پی کین است؟
این جمله مصائب زنفاق است. نفاق است
تا هست چنان، حال چنین، بدتر از این است
از تفرقهٔ ماست نگر دشمن قرآن
در مسند اسلام همی صدر نشین است
جمعی رخ شان زرد پی لقمهٔ نانی
جمع دگری فکرت شان رنگ پوتین است
در خوان یکی روز و شبش برهٔ بریان
همسایهٔ دیگر به غم قرص جوین است
خود چارهٔ این درد، بود مهر و مواسات
اقبال وسیادت پی وحدت به یقین است
اسلام نداده است به ما فرق نژادی
هستیم برادر، چه به جاپان چه به چین است
«بلخی»! اگرت جای بود محبس تاریک،
خوش باش که آواز تو بر عرش برین است

بزم ریا

اگر رسم مروت در جهان نیست،
وگر از مردمی نام و نشان نیست،
مدان مسؤول آن دور زمان را
گناه از ماست، تقصیر از زمان نیست
کنون پیرایه از ما می برد دل
اصالت هیچ در حسن بتان نیست
خزان زردی چنان پاشید، کامروز
سواد زلف وصف دلبران نیست
برد بزم ریا خاصیت از می
دگر آن نشأه در دخت رزان نیست
نکونامی وبدنامی است جاوید
جهان را هر چه بینی، جاودان نیست
عدالت دفع بیداد است، ورنه
کسان را جز ضرر از ناکسان نیست
به آزادی جوانا! فدیه بایست
چو این نعمت کسی را رایگان نیست
پی مقصد قیام کاوه شرط است
که هر بیرق درفش کاویان نیست
گر از افلاک می باید گذشتن
به غیر از سعی وهمت نردبان نیست
معارف جو، نه هر تقلید رشد است
به جز فرهنگ چیزی ارمغان نیست
ملل بر علم خود نازند و ما را
تفاخر جز به مشتی استخوان نیست
غبار کاروان تاکهکشان رفت
تو برجا خفته، گویی کاروان نیست
زما سبقت کسانی برد «بلخی»
که ایشان را وکیلان جاهلان نیست

غزل عافیت

علی رضا قزوه

گنج این ویرانه بودم خارو خس دزدیده ام
شور عنقا داشتم، بال مگس دزدیده ام
از جفای خویش ما را کی امید رستنی ست
بلبلم، اما زبخت بد قفس دزدیده ام
صبحدم در خواب خوش مشت مرا وا میکند
گز دلیل کاروان، امشب، جرس دزدیده ام
فاش می گویم که امنیت ندارد شهر ما
من چراغ خانه از دست عسس دزدیده ام
عذر بخشایش ندارم، سخت تعزیرم کنید
کز دکان عافیت، عمری نفس دزدیده ام
عقل پندارد که من از سر زمینی دیگرم
بس که مضمون های دور از دسترس دزدیده ام
تا بدانی دزدی آزاد است در شهر ادب
هفت بند از دفتر هفتاد کس دزدیده ام

لیکواله...

زمونږ قلمونـه، فکرونـه بایـد ددې پـه تـلاش کـې وي چـې تعصبات وژل، وطـن جـوړول او نـوی ابـادی دخپلـو لیکنـو سـرکرښه او عنـوان وګـرزوو او پـری لیکنـی وکـړو. تاسـی تیـاری تـه تیاره، رڼاتـه رڼا، ظلم تـه تېری او نیکي ته شاباش وویاست.

دلیك دریمه پوړی، ټولنیزې اړیکی او دانسانی ژوندون مستقیمه او نیغه لاړ بلل کیږی چی دژوند پـه ټولـو خـواوو اغیـزه لري. لکه څنګه چې دجامعی پـه وړاندې یـوداکتر مسـئولیت لـری، یـومعلم مسـئولیت لری. داسی بایـد لیکوال هم مسئولیتونه دخپل قلمی قضاوت پـه هغـه سترګه وڅاري چې دانصاف او عـدالت سترګه بلل کیږي. داسی لیکنی وکړی چې ربښتینولي او صداقت عام شي او خلکو ته دښو او بدو ترمنځ تمیز وړپه برخه کړی پخپل قلمی څواك سره کولای شئ دخپل ملت او خلکو احساسات او عواطف دیـو عقیدوی، دینی، مذهبی جریان یاسیاسی تګلاری او همدارنګه پـه ټولنـه کـې دحـاکم سیاسی نظام په ګټه یازیان زاولړ زوئ

دلیکـوال قلـم بایـد دتعصـب پـه اور اوبـه واچـوي دبیګنـاه او پوهـو خلکـو شـهرت زیـانمن نکـړی دبـی انصـافیو او دروغـو نـه پـرده پورتـه کـړی او دهـر هـدف لپـاره چـې لیکـل کـوی داخبـره پـه یـاد وساتي چې دانصاف او حق مدعي یم.

داهـم مـنم چـې قصـد او کینـه دانسـان دطبیعـت یـوه چپـی خانګـه ده او انسـانی ډانچـه غـچ او انتقـام تـه راکـاږی مګـر لیکـوال بایـد ددې ګونګوسـی نـه پـه ډډه وي دمثـال یـا بیلګـی پـه توګـه کـه دافغانسـتان تیـر تـاریخ او تېرو لیکنو بـانـدی یـو څغلنـده نظـر واچـوو وبـه ګـورو چـې پیښـی او واقعـات داسـې دي چـې دیـو چا پـه زړو تـوب«شـجاعت» او وطـن پـالی ئـی خـاوري اړولـی او دچادخوشـحالولو پـه خاطرئی دومره پـه مړه خیټـه افـراط تـه ملاترلی وی چې دخپـل وجدان پـه قضـا کـې ورتـه خـان پـټ ملامـت ښکـاری مګر په خوله یې اقرار نشی کولاې.

تیر به هیر کړو اوس چې څه دپاسه د دوه لسیزو پـه تیریـدو سـره دقلم او لیك سـپوږمکی دکسـوف لـه ترګمـی څخـه راوتلـی ده نـوګران لیکـوالان بایـد دبیـا رغونې، پرمختګ او عرفان لاری پـه ګوتـه کـړی څکـه کـه دچرګ اوار ویـده خلـك ویښـوی نوسـتا دقلـم زمزمـه دملـت مـړه زړونـه او ویـده احسـاسات راویښـوی لکـه چې وائی«لیك دی چې ورتـه دعواطفـو او احسـاسـاتو کـوه طـور ویلـی شـي» دخپـل نوښـت، تخیـل، حـافظی، دقلـم دازادی څـانګی او شعبی ښې ورزوه او داوسنی ټـولنې دترقـی اړتیـا لـویې او وړې چـارې دهغـه بـرج او لـوړو څخـه وڅـاره چـې دبیـا کتلو حاجت یې پاتې نشي او ستا قلـم تـه راتلـونکی نسـل دحیرانتیـا ګوتـه پـه خولـه کـړی او سـتا دقلـم سـتوری مـدام دمطبوعـاتو پـه اسـمان کـې ځلانـده اوروڼ وی.

مسوده وچند زاویهٔ ...

ومثبت است و زمینه کـار را بـرای عـده یی از هموطنان ما نیز مساعد می سازند.

او در مورد صلاحیت های رئیس جمهور نظرش را این گونه ابراز نمود:

«دادن صـلاحیت هـای بـدون حـد وحصر به یک شخص به صلاح کشور ما نخواهد بود باید تفکیـک صـلاحیت هـا بین قوای ثلاثه، مقننه، اجرائیه وقضـائیه به وجود آید منبـع قانونگـذار ونـاظر بـر تطبیق قانون باید پارلمان باشد».

دکتـر ناصـری در مـورد سـرود ملـی افغانستان گفت: «این یک مساله بسیار جدی نیست پشتو و دری هر دو، زبان های رسـمی اند، مهم این است که سرود ملی ما بایـد بـه شکلی باشد کـه هـیچ کـس بـا آن احسـاس بیگانگی نکند و به نظر من سیمای اسـلامی سرود ملی بسیار ارزش دارد اما پـیش از ایـن گونه مسایل، چرا به ضروریات اولیه مردم مـا واولویت ها توجه صورت نگیـرد، بسـیار رنـج آور است که من امروز از پل محمود خان می گذشتم و از بس وضع جـاده خـراب وتجمـع آب زیاد بود راهی برای عبور باقی نمانده بـود این است وضعیت پایتخت کشور مـا و آیـا در چنین حالتی ما باید به فروعات توجه کنیم یـا به مسایل اصلی و مهم؟

بگذارید سرود ملی به حـال خـود بـاقی بماند، پشتو و دری بودن آن باعث پیشـرفت نمی گردد وحتی باعث توسـعه و گسـترش خود همان زبان ها نمی شود اما اگرهمهٔ مـا عهد کنیم که کار می کنیم ممکن است بـه زودی تـاثیرات مثبـت آن بـر جامعـه وارد گردد.»

سید جلیل محصل سـال اول دانشـکدهٔ فارمسی دانشگاه کابل گفت:

«جمعی از محصلان دانشگاه کابـل بـر ضد مادهٔ چهل وسوم مسودهٔ قانون اساسـی واکنش نشان دادند آن ها به این عقیده انـد که با در نظرداشت اقتصاد عمـومی ومیـزان درآمد سالانه باید دولـت زمینـه تحصـیلات عالی را به گونهٔ مجانی برای همـه مسـاعد سازد».

او افزود:

«در صورتی که تحصیلات عالی مجانی نباشد تأثیر ناگوار آن بیشتر از همه بر طبقـهٔ اناث وارد می گردد. همه می دانند که برخی از مردم ما تا هنوز هـم مخـالف تحصـیلات عالی زنان هستند و غیر مجانی سـاختن آن بهانه یی زیاد را به دست آن هـا قـرار مـی دهد».

محمـد سـلیمان محصـل سـال دوم دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه کابل می گوید:

«طرح مسودهٔ قانون اساسی ونشر آن در مطبوعات گـامی بـه جلـو اسـت امـا تمـام اهمیت آن در همین جا خلاصه نمی شود و بسیار ضرورت است که این قـانون مطـابق به خواسته هـا ونیـاز هـای مـردم مـا عیـار گردد». او گفت کـه در مسـوده وجـود دارد. مثلاً مادهٔ سـوم و مـادهٔ هفـتم در تضـاد بـا همدیگر قرار دارد؛ زیرا برخی از ارزش های اعلامیهٔ حقوق بشر با احکـام دیـن مقـدس اسلام در تضاد است.

او در مـورد صـلاحیت هـای رئـیس جمهور چنین گفت:

«به نظر من عمده ترین بخشی که به بحـث بیشـتر نیـاز دارد صـلاحیت هـای رئیس جمهـور اسـت بایـد بـین پارلمـان، صدر اعظم ورئیس جمهور بـه گونـه یـی لازم تقسـیم قـدرت صـورت گیـرد زیـرا تمرکز قدرت در دسـت یـک شـخص بـه دیکتـاتوری مـی انجامـد حـال آنکـه مـا ادعای رفتن به طرف دموکراسی را داریم.

نظـارت از تطبیـق قـانون اساسـی در مسوده به رئیس جمهور اختصـاص یافتـه است در حـالی کـه ایـن موضـوع بایـد بـه پارلمان ویا شورای مخصوص قانون اساسی تعلق داشته باشد.

او در مورد تابعیت دوگانه وزرا گفت:

«تابعیت دوگانـه بـه نظـر مـن کـاملاً مناسـب نیسـت، شخصـی کـه در زمـان مشـقت هـا در افغانسـتان نبـوده اسـت احساس او در مقابل وطن نظر بـه کسـی که واقعاً درد وطن را دارد کمتر می باشـد و مسائل را درک کـرده نمـی توانـد هـم چنان در صورت کدام تخلف از افغانسـتان فرار می کند».

او در مـورد نظـام تحصـیلی در پرتـو مسودهٔ قانون اساسی چنین گفت:

«اگر دولـت در ایـن مـورد تـدابیر لازم اتخاذ ننمایـد؛ بـا روی کـار آمـدن اولـین دانشگاه خصوصی، دانشگاه کابـل سـقوط می نماید میزان معاش استادان دانشـگاه کابل بسیار نازل است و از این ناحیه خطر جدی متوجه دانشگاه کابل می باشد».

مسـودهٔ قـانون اساسـی مـوجی از مباحثات را به راه انداخته اسـت، در همـه جا محور مباحثات، مسوده قـانون اساسـی است: اما هیچ کس نمـی توانـد پیشـبینی کند کـه در لویـهٔ جرگـهٔ قـانون اساسـی، مسوده چـه سـیمایی [illegible] خـود خواهـد گرفت؟

نظام الدین ملکیار

بحثی در پیرامون

نهاد ناظر برتطبیق ورعایت...

۱۰- در مسودهٔ قانون اساسی آینـدهٔ کشـور، صـلاحیت نظـارت از تطبیـق قانون اساسی به رئیس جمهور سـپرده شده است که تاهنوز در حد یک طـرح قرار دارد.

چرا نخستین شورای قانون اساسی دستخوش تغییرات گردید؟

داکتـر نجیـب باصـدور فرمـان مورخ۱۳۶۹/۴/۲۷خـود شـورای قـانون اساسی را که به اساس فرمان قبلـی او در۱۳۶۸/۳/۸ایجـاد گردیـده بـود، لغـو نمود. اساساً دلیل لغـو شـورای قـانون اساسـی در آن هنگـام یـک سلسـله مخالفت هایی بود کـه میـان برخـی از اعضـای شـورا وادارهٔ حقـوقی ریاسـت جمهـوری ومعـاون رئـیس جمهـور عبدالرحیم هاتف به وجود آمده بود.

اختلافـات زمـانی اوج گرفـت کـه شـورای قـانون اساسـی در مصوبهٔ۱۳۶۸/۱۰/۱۱صلاحیت شـورای وزیران در مورد تهیـهٔ عینیـات حربـی، وسایط و وسایل وتجهـزات تخنیکـی نظـامی بـه ارزش(۱۸۰۹۱۲۵۳۳) دالـر کلیرنگ و(۶۴۲۱۱۷۹۳۰) روبـل، مـورد سوال قرار داده وخلاف قانون دانست.

این خریداری ها از جانب وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت امنیـت ویامسـتقیماً توسط سـفیر آن وقـت رژیـم در مسـکو، صورت گرفته بود.

لغـو شـورای قـانون اساسـی در آن مرحله، واضح می سازد کـه رژیـم هـایی که به تمثیل دموکراسی ومردم سـالاری پرداخته ومی خواهند ظاهراً سیمای قابل قبول ارایه کنند، در واقع تحمـل رعایـت اصولی وایجابات یک نظام دموکراتیک را ندارند.

چگونه بایـد از تطبیـق قـانون اساسی نظارت شود؟

بررسی شتابندهٔ فوق نشـان مـی دهـد که در کشور ما به ارتباط ایجاد یک نهاد ناظر برتطبیـق ورعایـت قـانون اساسـی، چندین تجربهٔ ناکام سپری گردیده است. بگـذریم از ایـن کـه در هرکـدام از ایـن نمونه ها، دولت ها چـه مقـدار باصـداقت برخورد کرده اند. این تجربـه هـا را مـی توان قرار ذیل دسته بندی نمود:

۱- شـورای دولتـی نیمـه نماینـده باترکیب غیـر مسـاوی اعضـای منتخـب وانتصابی در۱۲۹۹خورشیدی.

۲- شورای دولتی نیمه نماینـده باترکیـب مسـاویانهٔ اعضـای منتخـب وانتصابی در۱۳۰۷خورشیدی.

۳- شـورای ملـی وپادشـاه بـه صورت مشترک در ۱۳۴۳خورشیدی.

۴- شـورای انقلابـی باترکیـب اعضای انتصابی در نظام تک حزبی در ۱۳۵۷خورشیدی.

> **دور از منطق واصول مردم سالاری است که برای کسی که به عنوان شخص اول قوای اجرائیه وقضائیه صلاحیت دارد، موضوع نظارت از رعایت وتطبیق قانون اساسی نیز به عنوان صلاحیت دیگر سپرده شود.**

۵- شـورای قـانون اساسـی باترکیب حقوق دانان انتصـابی بامـدت معین دورهٔ کار در۱۳۶۸خورشیدی.

تمام تجربه هـای فـوق بـه ناکـامی گراییده است وبراساس مسـودهٔ قـانون اساسی آینده، قرار است رئیس جمهـور شخصـاً صـلاحیت نظـارت از تطبیـق ورعایت قانون اساسی را داشـته باشـد کـه در ایـن صـورت بـه طـرح سال۱۳۴۳شباهت می رساند.

باتوجـه بـه تجربـه هـای گذشـته وامکانـات کنـونی، سـپردن صـلاحیت نظـارت برتطبیـق قـانون بـه رئـیس جمهور، چند اشکال را باخود دارد:

۱- نهادی که برفرامین، احکـام واجراآت خود رئیس جمهور ناظر باشد، موجود نبوده وبرای رئیس جمهور ایـن فرصت مساعد می گردد کـه از قـانون اساسی بـاتعبیرات وتفسـیرات دلخـواه بدون تشویش ودلهره، استفاده نماید.

۲- زمینه را برای بروز مخالفـت ها وطرح انتقادات موجه وناموجه برای مخالفین نظام مسـاعد سـاخته وباعـث می گردد که نـوعی هـرج ومـرج وبـی اعتمادی نسبت به اعمال رئیس جمهور به وجود آید.

۳- دور از منطق واصـول مـردم سالاری است که برای کـسـی کـه بـه عنـوان شـخص اول قـوای اجرائیـه وقضائیه صلاحیت دارد. موضوع نظارت از رعایت وتطبیق قانون اساسی نیز بـه عنوان صلاحیت دیگر سپرده شود. این امر خواهی نخواهی به مطلق العنانی منجر می گردد. حتی در صورتی کـه رئیس جمهور شخص بسیار عادل نیز باشد، این گونه صـلاحیت بـزرگ بـه اضافهٔ صلاحیت های دیگر او، باعـث مـی گـردد تایـک نـوع بـیم غیـر مصلحتی نزد نهادهای درجات بعـدی حکومت از رئیس جمهور به وجود آید که مخصوصـاً بـرای کشـوری مانـند افغانستان، مناسب نیست.

۴- بـاکوچکترین تخطـی رئـیس جمهور از قانون اساسی، شورای ملی وقـانون اساسـی اهمیـت خـود را از دسـت داده ودر پـی کـوچکترین تبلیغات مخالفین به آله هـای دسـت رئیس جمهور مشابهت مـی رسـانند که به مصـلحت دموکراسـی نوپـا در افغانستان نیست.

دلایل بسیار دیگری نیـز در ایـن زمینه موجـود اسـت وبنـا بـرهمین اصول، این باور تقویه می گردد که بهترین ومناسب تـرین نهـاد بـرای نظـارت برتطبیـق قـانون اساسـی. شورایی از حقوق دانان است که بـه وسیلهٔ رئیس جمهور نـامزد گردیـده وبعد از کسب رای اکثریت اعضـای پارلمـان. عضـویت شـورای عـالی قانون اساسی را حاصل کننـد. ایـن شـورا بایـد صـلاحیت تفسـیر مـواد قانون اساسی وصلاحیت نظـارت از تطبیـق ورعایـت قـانون اساسـی را داشته ومدت کار شان نیز اضافه تر از مدت کـار رئیس جمهـور پـیش بینی شود.

تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران

محمد ظاهر شاه در تبعید ۷

ترتیب و توضیح از وحید مژده





شهزاده محمد داود در ایران مشغول کار می شود

پادشاه ایران دستور داد تا به شهزاده محمد داود(بشتون یار) که پیلوت بود در ایران کار داده شود. او به ایران رفت و در (ایران ایر) در بخش پرواز های داخلی آن شرکت بعنوان پیلوت مشغول کار شد. شاه برای او خانه یی در تهران خرید و در مهمانی های دربار همیشه شرکت می کرد. شاه ایران با او رفتاری مانند عضوی از اعضای خانواده خود داشت.

شاه محمود در آستانهء انقلاب اسلامی ایران به ایتالیا رفت و در یک واقعهء غیر مترقبه در آنجا وفات یافت.

گزارش دیگری از جهانگیر تفضلی سفیر ایران در کابل در مورد جنرال سردار عبدالولی

سرور ارجمند و محترم

در دنبال گزارش خطی

ان افسر تماس حاصل کرد و اطلاعات وی به استحضار می رسد:

۱–از همان روز های اول بعد از کودتا اعضای چپ و افراطی شورای انقلاب یا جمهوری اظهار نظر و اصرار و پافشاری می کرده اند که سردار عبدالولی اعدام شود. در چند ماه اخیر هم افسران افراطی که هنوز در شورا هستنداظهار عقیده می کنند که: تنها عنصری که وجود وی برای رژیم کنونی خطرناک است سردار عبدالولی است که باید به هرطریقی که شده از بین برود. از آغاز کار هروقت این موضوع را در حضور داود خان اظهار کرده اند داود خان کاملا سکوت کرده است و هیچگونه نظری نداده است. پادشاه سابق افغانستان هم اطلاع دارد.

۲–چون رئیس محکمهء سردار عبدالولی اولا خود اعتقاد دارد که پرونده هایی که برای عبدالولی ساخته اند ویا وجود دارد به هیچ وجه مناسب با محکومیت به اعدام نیست و سردار داود خان به ژنرال مذکور اظهار علاقه و اعتماد می کند، در نتیجه اعضای شورا هم ناگزیر به قاضی محاکمهء سردار عبدالولی احترام می گذارند. بسیار ممکن است که برای وی محکومیتی در حدود یکی دوسال در نظر گرفته شود و روز ۲۶ تیرماه آزاد گردد لیکن اجازهء خروج وی از افغانستان بسیار بعید به نظر می رسد. ۲۶ تیر روز روی کار آمدن سردار داود خان است. ژنرال رئیس محکمه که قضاوت اصلی را در بارهء سردار عبدالولی خواهد کرد ... همچنین خویش و نزدیک و محرم او در اداره دوم ستاد ارتش خوب شناخته شده اند. اگر ژنرال مزبور خدمتی کرد پاداشی غیر مستقیم خواهد گرفت. واما به نظر بنده با همه خشونت ها و حتی توهین هایی که سردار عبدالولی در حضور جمع و خود داود خان به وی می کرده است داود خان و بخصوص سردار نعیم که روز به روز نفوذش بیشتر و آشکار تر می شود خیلی عاقل تر و با تجربه تر و مقتدر تر از این هستند که بگذارند چند افسری که از کودتا باقی مانده اند یا افسرانی که نسبت به سردار عبدالولی کینهء شدید داشتند صدمهء جانی به سردار عبدالولی بزنند بخصوص که همسران سردار نعیم و داود خان خواهران پادشاه سابق اند و عمهء والاحضرت بلقیس و به بلقیس برعلاوهء عمه هایش خود داود خان نیز بسیار علاقه مند است.

باعرض ارادت

۵۳/۱/۲۸

جهانگیر تفضلی

بدون تردید افسران کمونیست سخت علاقه مند بودند تا سردار عبدالولی اعدام شود زیرا روسها بخاطر برنامه های آیندهء خود بعد از سرنگونی داود خان سردار را شخصی خطرناک می دانستند. همانگونه که از این یادداشت ها برمی آید، همه به این باور بودند که داود خان بدون تردید بدست کمونیست ها سرنگون خواهد شد و یگانه کسی که از خاندان سلطنتی ممکن است در آن موقع برعلیه کمونیست ها دست به عمل بزند سردار عبدالولی خواهد بود که به کمک ایران موجب درد سر خواهد گردید.

خرید خانه برای پادشاه سابق در روم

سفارت شاهنشاهی ایران

رم

۳اردیبهشت ۵۳

قربان حضور عالی گردم انشاء الله وجود مبارک سلامت و همیشه در خدمتگزاری به شاهنشاه معظم و محبوب موفق و مؤید بوده باشید.

خوشحالم که توفیق مذاکرهء تلفنی حاصل و صدای جنابعالی را از راه دور شنیدم. در مورد خرید خانه که به عرض رسید خواستند قبل از انجام معامله سخص ملکه نیز از آن بازدید نمایند البته خانه را که در نوع خود فوق العاده است و با ۵ اطاق خواب و باغ و گاراژ وغیره فقط یک ملیون تومان ارزش دارد پسندیده اند منتها چون ۱۵ کیلو متر از روم دور است گفته اند که می ترسم بخصوص که بچه ها در آینده از ما دور می شوند و تنها می مانیم سپس آقای خسروی از آپارتمانی که خودشان قبلا دیده بودند بازدید می کنند و اظهار می دارند که ترجیح می دهند به جای خانه آن اپارتمان خریداری شود البته از نظر محل و موقعیت بسیار خوب است. در طبقهء آخرین یک ساختمان زیبا قرار گرفته سالن و ناهار خوری و سه اطاق خواب و سرویس و اطاق مستخدم وغیره دارد. منتها قیمت آن در حدود یک ملیون و چهارصد هزار تومان است فقط چون تعداد اطاقها از آن خانه کمتر است در نتیجه قیمت مبل کمتر می شود در این صورت برای آپارتمان و مبل مان مبلغی در حدود دو ملیون تومان خرج خواهد شد که چنانچه تصویب و اراده فرمایند انجام شود.

روز گذشته اعلیحضرت خواستند که ساعت ۸ شب در بار (گراند هتل) حضور شان بروم. باز هم برای وضع خود شان اظهار نگرانی می کردند گویا تکلیف شده که اگر هرکدام شان در سفارت کار کنند در برابر وظایفی که انجام بدهند برای شان مقرری حواله می شود مدت دو ساعت آهسته و بریده صحبت می فرمودند تمام مطالب کاملا مفهوم نبود. بی اندازه سپاسگزار مراحم ملوکانه بودند و هر لحظه بی اختیار این امتنان و سپاسگزاری را تکرار می فرمودند و ضمنا فرمودند علاقه مند اند والاحضرت بلقیس و والاحضرت شاه محمود را برای عرض تشکر و تعظیم در برابر عنایات شاهنشاه. به ایران بفرستند و از بنده خواستند اگر ممکن باشد وسیلهء این سفر چند روزه را فراهم سازم. از این طرف می توانم بدون آن که کسی بفهمد و توجهی جلب شود با خودم آنها را بیاورم در فرودگاه تهران هم که مساله یی نیست حال هرگونه که اوامر مبارک شرف صدور می یابد اقدام نمایم. ضمنا استدعا دارم مقتضی به عرض برسانید که چنانچه اراده فرمایید اینجانب یک هفته غرض عرض گزارش و رسیدگی به کار های والاحضرت به تهران بیایم. دیشب والاحضرت تلفن کردند که بعضی کار ها معطل تصمیم ودستور اینجانب است.

بیش از این تصدیع نمی دهم. با عرض احترام و ارادت صمیمانه

سفر شاهدخت بلقیس و والاحضرت شاه محمود به تهران

با سفر شاهدخت بلقیس و والاحضرت شاه محمود به تهران موافقت شد و آنان چند روز بعد همراه با سفیر ایران در ایتالیا به تهران رفتند. هدف بلقیس از این سفر، در کنار ابراز سپاس از شاه ایران، کسب معلومات در مورد شوهرش سردار عبدالولی بود که در کابل در زندان بسر می برد. البته آنها نامه یی از پدر شان نیز عنوانی شاه ایران داشتند که در آن شاه سابق افغانستان مراتب تشکر و سپاس عمیق خود را از کمک های شاه ایران به او و خانواده اش ابراز نموده بود.

علم در یادداشت پنجشنبه ٥٣/٢/٢٦ می نویسد:

... عصری به دیدن والاحضرت بلقیس و شاه محمود فرزندان پادشاه افغانستان در شاهدشت رفتم. دخترم ناز را هم بردم، چون با دختر والاحضرت بلقیس دوست بودند(اینها برای چند روزی به تهران آمده اند) دستخط شاهنشاه را در جواب نامهء پادشاه افغانستان به آنها دادم و به پسر هم گفتم که به اعلیحضرت پدر تان بگویید ناامید نباشند و رابطهء خود با افغانستان را حفظ کنند. **معلوم نیست چرخ نیلوفری چه بازیها زیر سردارد.**

واقعا علم درین مورد پیشبینی درستی کرده بود. امروز که یادداشت های علم به چاپ رسیده است، نه شاه ایران در جهان است و نه علم. نه از سردار محمد داود در این جهان اثری است و نه از سردار محمد نعیم. اما شاه سابق افغانستان و دامادش سردار عبدالولی به کشور باز گشته اند.

سفر سردار محمد نعیم به ایران

چند روز قبل از آن، سردار محمد نعیم برادر داود خان بعنوان نمایندهء خاص او به تهران آمد و پیامی از داود به شاه ایران آورد. شاه نیز در جواب، پیامی به شرح ذیل به داود فرستاد:

حضرت محمد داود رئیس دولت جمهوری افغانستان

برادر گرامی! پیام مورخ ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ آنحضرت را که حاکی از احساسات مودت آمیز و صمیمانه بود بوسیلهء نمایندهء مخصوص خود تان جناب محمد نعیم برادر گرامی آنحضرت ارسال فرموده بودید با کمال امتنان دریافت داشتم. متقابلا بهترین آرزو های قلبی خود را برای سلامت و سعادت و رفاه و تعالی ملت نجیب افغانستان ابراز می دارم.

از ملاقات با جناب محمد نعیم و انجام مذاکرات سود مند با ایشان در بارهء مسائل مورد علاقهء فیمابین بسیار خوشوقت شدم. ایشان مرا از نظریات آنحضرت در مورد تحکیم بیش از پیش روابط میان ایران و افغانستان آگاه ساختند. در تبادل نظری که با جناب محمد نعیم داشتم علاقهء قلبی خویش را نسبت به تقویت هرچه بیشتر مناسبات دوستی و همکاری بین دو کشور مان ونقشی که مامیتوانیم مشترکادرپیشرفت این منطقهء حساس و تأمین ثبات و امنیت ان ایفا کنیم به اطلاع ایشان رسانیدم.

ما همواره نسبت به مشکلات کشور های در حال توجه خاصی مبذول می داریم و بطوری که استحضار دارید پیشنهادی در بارهء صندوق بین المللی بیطرف با شرکت کشور های صادر کنندهء نفت و کشور های صنعتی جهان جهت کمک بکشور های در حال رشد ارایه داده ام و امیدوارم که بتوان از این راه کشور های جهان سوم را در پیشرفت خود بطور مؤثر یاری دهیم. در مورد کشور برادر و همسایه افغانستان دستورات لازم به مقامات ذیصلاحیت دولت خود صادر کرده ام تا آنچه را که در بارهء کمک های دو جانبه مورد علاقهء دولت آنحضرت باشد با نظر دوستانه و نهایت سرعت مورد بررسی مثبت قرار دهند وآمادگی همه نوع همکاری داشته باشند.

از مساعی دوستانه و حسن نیت آنحضرت و دولت افغانستان در مورد راه حل اختلاف میان ایران و عراق کمال تشکر را دارم. جناب محمد نعیم را در جریان آخرین تحولات در روابط ایران و عراق گذارده ام که به استحضار آنحضرت خواهند رسانید.

من مطمئن هستم که نتایج دیدار جناب محمد نعیم از ایران به تحکیم و توسعهء هرچه بیشتر مبانی وداد و همکاری میان دو کشور برادر ایران و افغانستان سهم بسزائی خواهد داشت و دولت شاهنشاهی ایران از هرگونه کوشش جهت تامین این هدف دریغ نخواهد کرد.

بدینوسیله آرزو های خالصانه و داعیهء دوستانهٔ خویش را به آن برادرگرامی ابرازمی دارم.

امضاء محمد رضا پهلوی

دولت افغانستان هم به محمد ظاهر شاه وخانواده اش کمک می کرد چهارشنبه ٥٣/٣/١٥

... سفیر افغانستان را پذیرفتم. نامهء خصوصی از داود را که به او نوشته بود برای من آورد که عینا بخوانم. اولا در مورد این که پاکستان گفته و به وسیلهء شاهنشاه به افغانستان پیغام داده است که ما نمی خواهیم با افغانستان جنگ کنیم، نوشته بود: افغانستان از این حرفها نمی ترسد و پاکستان نمی تواند با ما جنگ کند. چون در این صورت جنگ بین ما و پاکستان تنها نخواهد بود. ثانیا ما میل داریم مسألهٔ پختونستان را با مسالمت حل کنیم ولی پاکستان دایما در آنجا تحریک می کند و وضع غیر عادی بوجود می آورد(همیشه در دنبالهء این حرف فشار پاکستان به برادران بلوچ راهم اضافه می کرد ولی در این جا چیزی ننوشته بود)

بعد هم نوشته بود که خوب شد آمدن والاحضرت شاهدخت بلقیس را وزیر دربار شاهنشاهی تکذیب کردند. گرچه آمدن یا رفتن شان اهمیتی ندارد ولی به هر حال ما انتظار داشتیم اگر چیزی بود مارا در جریان می گذاشتند.

من گفتم من کی گفتم که ایشان نیامده اند؟ خیر. ایشان آمدند و موضوع هم این بود که می خواستند از سلامتی عبدالولی سوهر شان اطلاع حاصل نمایند و مطمئن شوند و شاهنشاه هم فرمودند که شما، سفیر افغانستان، اطمینان داده اید که ایشان سالم هستند.

از این که من با این صراحت مطلب را گفتم خیلی تعجب کرد. گفت من برای این که نزاکت بین دو کشور بهم نخورد، گفته بودم که از طرف دربار به من گفته اند که چنین مطلبی حقیقت ندارد. از او در مورد مقرری که دولت افغانستان به پادشاه می پردازد جویا شدم. گفت **ماهیانه هفت هزار دلار برای پادشاه، دو هزار دلار برای ملکه و برای هریک از پسر ها یک هزار دلارمی فرستیم. ولی پادشاه خواسته است قیمت املاک شخصی خود را بگیرد که نمی توانیم بدهیم.** (علم در اینجا نوشته است که شاهنشاه ماهی ده هزار دلار مرحمت می کنند و مضافا یک منزل به قیمت دویست و پنجاه هزار دلار برای پادشاه خریدیم).

راجع به مسافرت داود خان به مسکو می گفت خیلی اهمیت دارد. ما رفته ایم حساب خود مان را با مسکو تصفیه کنیم یعنی بگوییم شما از ما دوستی بخواهید دیگر به اموداخلی ما کاری نداشته باشید و گمان می کنم توفیق پیدا کند. اوخیلی از کمونیست ها بد می گفت و می گفت پس از مراجعت از مسکو داود خان آنها را پاک می کند و به پادشاه ایراد می کرد که چرا این دموکراسی مضحک را در افغانستان راه انداخته و دست کمونیست روسی و چینی را برای هرنوع تبلیغات باز گذاشته بود و دیگر حالا نمی توان جلوی آنها را گرفت. ص۷

مباحثی در بارهٔ قانون جزا در اسلام

حد به چه چیز ثابت می شود؟

سید ناصر تقدسی

حد زنا به یکی از دو امر: اقرار، ویاگواهی چهارنفر شاهد ثابت می گردد.

الف: ثبوت حد به اقرار:

فقهای مسلمان در پیرامون اقرار گفته اند«اقرار سردار وآقای دلایل است» ورسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم ماعز وغامدیه را برحسب اعتراف شان به زنا، مجازات ومؤاخذه کرده است. وائمهٔ فقه اسلامی هرچند در مورد عدد دفعات اقراری که مستلزم حد می شود، اختلاف نظر دارند، اما در خصوص این که اطلاقاً اقرار، ثابت کنندهٔ حد است، همه متفق می باشند.

امام مالک، شافعی، داود، طبری وابوثور باور دارند که در لزوم حد، یکبار اعتراف کردن کافی است، به دلیلی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به حضرت انیس هدایت داد:(اغذ یاانیس علی امراه هذا فإن اعترفت فارجمها)

«ای انیس فردا نزد این زن برو، اگر -به زنا- اعتراف کرد، سنگسارش کن»

علمای مذهب حنفی، چهاراعتراف را در چهار جای مختلف مستلزم حد دانسته اند. ولی فقهای معاصر، از جمله اقای دکتر وهبه الزحیلی وجناب مرحوم سید سابق قول اول را ترجیح داده اند.

رجوع از اقرار موجب سقوط حد می شود

به عقیدهٔ اکثریت قریب به اتفاق فقها، رجوع از اقرار، حد را ساقط می کند. چنان که ابوهریره روایت می کند که: زمانی که ماعز- سنگسار می شد- وبارش سنگ بروی سخت تمام گردید، پا به فرار نهاد، تاجایی که بامردی روبرو شد که به دست وی استخوانی از الاشهٔ- حیوان- بود، آن مرد، ماعز را مورد ضرب قرار داد ودیگر مردم نیز به زدن وی آغازیدند وسرانجام او مرد. این رویداد را صحابه، به پیامبر حکایت کردند، پیغمبر فرمود: (هلاترکتموه؟!)«او را رهانکردید؟!»

حکم کسی که به زنا اقرار می کند ولی زن انکار می ورزد

اتهام زنا، پیامدی ناگوار دارد وبرحیثیت وآبروی مرد وزن مسلمان صدماتی جبران ناپذیر وارد می نماید، ونه تنها کرامت وعزت مرد وزن مورد اتهام را زیر پرسش می برد که برخانواده وفرزندان آنها نیز آسیب می رساند

کسی که به زنا بازنی معین اقرار کند، ولی همان زن قول آن مرد را تکذیب نماید، حد زنا تنها برمرد جاری می شود؛ زیرا که سهل پسر سعد روایت می کند که: شخصی نزد پیامبر آمد وگفت: او بازنی- که نامش را گرفت- زنا کرده است، رسول خدا نزد آن زن کس فرستاد وپیش خود فراخواندش، واز وی موضوع زنا را پرسید ولی او انکار ورزید، لذا پیغمبر مرد را محکوم به حد نمود وزن را رها کرد.

ب: ثبوت حد به شهود:

از آن جایی که اتهام زنا، پیامدی ناگوار دارد وبرحیثیت وآبروی مرد وزن مسلمان صدماتی جبران ناپذیر وارد می نماید، ونه تنها کرامت وعزت مرد وزن مورد اتهام را زیر پرسش می برد که برخانواده وفرزندان آنها نیز آسیب می رساند، لهذا دین مقدس اسلام به منظور جلوگیری از هتک کرامت وشرافت انسان ها وبرای حفظ آبروی آنان، شرایط دشواری را در خصوص شهادت برزنا پیش بین شده است که به طور اختصار در سطور زیرینه یاد آوری می گردد:

اول:- در شهادت برزنا، برخلاف شهادت برسایر حقوق، شهود(گواهان) باید چهار نفر باشند. چنان که در قرآن آمده است: (واللاتی یأتین الفاحشه من نسآءکم فاستشهدوا علیهن أربعه منکم)

«از زنان شما آنان که به عمل فحشا(زنا) مبادرت می ورزند، چهار نفر از خویش را بر آنان گواه بیاورید»

اگر شاهدان کمتر از چهار نفر باشند نه فقط شهادت شان قابل پذیرش نیست بلکه آنان مجرم تلقی می شوند وحد قذف برآنها نافذ می گردد.

دوم: بلوغ- شاهدان باید بالغ باشند، واگر به سن بلوغ نرسیده باشند شهادت شان پذیرفته نمی شود.

سوم: عقل- اگر گواهان دیوانه ویامعتوه بوده باشند، شهادت آنها از اعتبار شرعی ساقط می باشد.

چهارم: عدالت- شاهدان به گفتهٔ قرآن باید عادل باشند:(واشهدوا ذوی عدل منکم)

پنجم: اسلام- گواهان بایستی مسلمان ومعتقد به خدا ودین اسلام باشند.

ششم: معاینه- به این مفهوم که آنانی که برزنا گواهی می دهند باید بچشم سرمشاهده کرده باشند که آلت مرد در فرج زن داخل شده باشد، چونان سرمه چوب در سرمه دان.

هفتم: صراحت- شاهدان باید به الفاظی صریح که بیانگر ثبوت عمل زنا باشد گواهی دهند نه به الفاظی کنایه آمیز وتردید آور.

هشتم: اتحاد مجلس- جمهور فقها می گویند: بایستی هرچهار نفر شاهد در یک وقت ویک زمان نزد قاضی شهادت بدهند، در غیر آن شهادت شان مقبول نخواهد بود. اما شافعی ها، ظاهری ها وزیدی ها، این موضوع را از شرایط شهادت نمی دانند.

نهم: مرد بودن- شاهدان باید همه مرد باشند؛ چه در این باب شهادت زنان مدار اعتبار نیست.

دهم: نگذشتن زمان- شهادت برزنا، باید در زمانی ادا شود که از عمل زنا وقتی بسیار سپری نشده باشد، اما اگر گواهان بدون کدام عذر شرعی، همزمان باوقوع زنا نزد محکمه شهادت نمی دهند وبعد از گذشت مدتی از زمان به این کار اقدام می نمایند، شهادت شان پذیرفته نیست؛ چه این گونه گواهی ها بیشتر به بخل وکشیدگی های شخصی مانسته اند.

آیا قاضی به علم خود می تواند حکم کند؟

سید سابق در کتاب گران قیمت«فقه السنه» می گوید: جمهور فقها را عقیده برآن است که قاضی حق ندارد به علم خود حکم صادر کند. طوری که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه می گوید: «لورأیت رجلاً علی حد لم أحده حتی تقوم البینه عندی»

«اگر مردی را ببینم که بایستی حد بروی جاری شود، تازمانی که شاهد به نزدم گواهی ندهد آن را حد نخواهم زد»

از همین رو اگر قاضی به علم خود وبدون شهادت شهود کسی را حد بزند، از نظر فقه اسلامی، حد قذف بروی نافذ می گردد. ودروغگوپنداشته می شود. چنان که خداوند در سورهٔ نور می فرماید:«فإذلم یاتوا بالشهداء فأولئک عندالله هم الکاذبون»

«پس چون نتوانند گواه بیاورند، آنان به پیشگاه خداوند دروغگویانند»

فقها را عقیده برآن است که قاضی حق ندارد به علم خود حکم صادر کند.

آیا حد به بارداری ثابت می گردد؟

علی رغم آن که امام مالک وشمار اندکی از فقها، بارداری زن را در حالی که ناشی از جبر نبوده باشد، مستلزم حد می دانند، اما جمهور فقهای مسلمان باور دارند که مجرد بارداری حد را ثابت نمی سازد، بلکه در پهلوی حمل، اعتراف ویاشهود شرط است. چنانچه از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که او برای زنی باردار گفت:(أستکرهت؟؟ قالت: لا. قال: فلعل رجلاً أتاک فی نومک.) «آیا- به عمل زنا- به زور واداشته شده یی؟؟ گفت: نه. علی رضی الله عنه گفت: شاید مردی باتو رسیده باشد که تو در خواب بوده یی..»

قرائن برائت از زنا حد را ساقط می کند

هرگاه دلائل وقرائنی به وجود آید که وقوع زنا را از یکی از مرد وزن منتفی نماید چنانچه زن باکره ویا دارای فرجی مسدود باشد ویا این که مرد عنین بوده باشد ویا آلت تناسلی اش مقطوع ویاخصی باشد، حد ساقط می شود. همان طور که حضرت علی از قتل مردی که به جرم زنا باید کشته می شد به علت مجبوبیت صرف نظر نمود.

مراجع

۱- الفقه الإسلامی وأدلته. دکتر وهبه الزحیلی
۲- فقه السنه. سید سابق رحمه الله علیه
۳- الإختیار فی الفقه. علامه موصلی حنفی
۴- الموسوعه فی الفقه الاسلامی

په کوټه کي دطالبانو نوي . . .

او کابل تر منځ د تبلیغاتي جنګ په باب اندیښني څرګندې کړې او ویلي چي دې چي له افغانستان سره خرابي اړیکي د پاکستان پر ګټه نه دي. په اسلام اباد کي د بینظیر بوټو د پیپلز ګوند له دفتر نه په خپور شوي یوه بیانیه کي میرمن بوټو له پاکستاني حکومت غوښتي چي کابل ته دې یو خانګړي استازي واستوي. چي د افغانستان د دولت د خپګان علتونه معلوم کړي او په داسي لارو چارو غور وکړي چي دغه شکایتونه لري کړای شي. میرمن بوټو وویل چي د پاکستان خانګړي استازي دي ولسمشر حامد کرزي حکومت ته ډاډ ورکړي، چي اسلام اباد به د افغان حکومت خواشیني په پام کي ونیسي بینظیر بوټو وویل د طالبانو د بیا منظم کیدو پر سر د پاکستان او افغانستان تر منځه د اړیکو خرابیدو له امله پاکستان ته څه له لاسه ورکولای شي چي په نړیوال ائتلاف کي له ورګډیدو نه وروسته یې تر لاسه کړیدي. میرمن بوټو وویل چي دښاغلي کرزي د حکومت څرګندوني د ردکولو پر ځای دي هغه په پام کي ونیولي شي: ځکه چي د افغانستان له حکومت سره ښې اړیکي د پاکستان د ترقي او دسیمې دامنیت لپاره ډیر ارزښت لري»

دمجاهد خبریال زیاتوي: څه موده وړاندي د دولت رئیس ښاغلي کرزي د انګلستان ټایمز خپروني سره په مرکه کي ویل وه چي طالبانو مشر ملاعمر په کوټه کي د سلیم پلازه تر څنګ د جمعي په لمانځه کي لیدل شوي او د پاکستان له دولت نه یې غوښتي چي د ترهګرو د فعالیتونو په مخنیوي کي نړیوالي ژمني پر ځای کړي. همدارنګه د بلوچستان مشهور سیاستپوه محمود خان اڅکزي هم له پاکستان څخه غوښتي چي د افغانستان پر خلاف د طالبانو او ترهګرو له روزني لاس پر سر شي.

دغه په پېښور کي خپریدونکي سهار ورځپاڼي د قوس پر نهمه لیکل چي:

د پاکستان د اطلاعاتو او نشراتو پخواني وزیر او مشهور شنونکي مشاهد حسین په یوه تلویزیوني مرکه کي ویلي چي پاکستاني پوځیانو له افغانستان سره د پنځمي صوبي په توګه چلن کاوه، په داسي حال کي چي افغانستان تاریخي پس منظر درلود. موږ باید له هغوي سره مرسته کړې واي چي امنیت او سوله یې کي راغلي واي، چي د پوځیانو هغه دریځ یو لویه تیروتنه وه

دغه څه موده وړاندي د ازادي راډیو خبریال د پاکستان د استخباراتو د پخواني مشر جنرال حمید ګل له خولي وویل چي د نصیر الله بابر کور د افغانستان له لرغونو اثارو ډک دی، خبریال زیاتوي چي ددې مالي د سپیناوي لپاره د بابر کور ته لاړم او په مرکه کي یې اعتراف وکړ چي له ما سره د افغانستان لرغوني اثار شته او اوس ددې وخت رارسیدلي چي افغانستان خلك خپل مالونه بیرته واخلي.

دمجاهد خبریال لیکي: دا ټولي پورتنۍ څرګندوني د یوه حقیقت ښوونکي دي. او هغه داچي پاکستاني معلوم الحاله کړي زموږ په کورنیو چارو کي لاس واهه او لاوهي یې.

تاریخ معاصر افغانستان . . .

راجع به وضع داخل افغانستان زیاد صحبت کردیم. گفتم ما صمیمانه می خواهیم داود خان موفق شوند، ولی ایشان برای این کار ابزار لازم دارند که از همه مهمتر ارتش است. آیا ارتش را در دست دارند؟ آیا در مقابل ارتش عشایر را دارند؟ جوابی نداد، جز این که اهمیت ارتش را قبول کرد و می گفت عشایر با اسلحهء امروزی در برابر ارتش نمی توانند عرض اندام کنند که تا حدی درست است.

شاه سابق افغانستان هم یقین داشت که داود خان آینده یی در افغانستان ندارد و بعد از وی کمونیزم بر افغانستان حاکم خواهد شد. با چنین وضعی دیگر بازگشت شاه سابق و خانواده اش به افغانستان ناممکن است به همین علت او آرزو داشت تا املاک و دارایی هایی را که در افغانستان دارد بفروش برساند. داود خان نمی توانست در این مورد کمکی به شاه سابق بکند زیرا با این کار ممکن بود با بی اعتمادی اطرافیان خود مواجه گردد. **ادامه دارد**

طرح کابلی و غیر کابلی . . .

اخیراً سیدمخدوم رهین بااستفاده از صلاحیت خود جلسهٔ شورای شهروندان را در مرکز مطبوعات بین المللی وزارت اطلاعات وفرهنگ دایر نموده وتصمیم اتخاذ نموده است تاشورا را به ولسوالی های کابل نیز گسترش دهد جاهایی که پیش از شورای شهروندان، شورای کابل به گردانندگی حاج محمد مجاهد فعالیت هایش را درآنجاها آغازیده است. قرار آخرین گزارش، مامورین وزارت اطلاعات وفرهنگ جبراً به جلسات شورای شهروندان کابل فراخوانده می شوند و حتی در مواردی درب خروجی وزارت به رخ آنان بسته شده بود تا از جلسه فرار! نکنند که این حرکت به مارش های کمونیستی شباهت می رساند.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال دوم شماره ششم چهارشنبه ۱۲ قوس ۱۳۸۲ ۹ شوال المکرم ۱٤۲٤ – 3 December 2003

افغانستان برای نخستین بار عضویت سازمان جهانی قلم را به دست آورد

این اطلاعات بر پایهٔ اظهارات پرتو نادری فراهم آمده است

مصطفی شهری



پرتو نادری

شصت ونهمین کانگرس سازمان قلم در مکسیکوستی مرکز مکسیکو دایر شد و از ۲۲ تا ۲۸ نوامبر سال جاری میلادی دوام کرد. در این کانگرس نمایندگان ۷۶ مرکز قلم از کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپایی، استرالیایی وآمریکای لاتین اشتراک داشتند. در این همایش پرتو نادری عضو اتحادیه آزاد ژورنالستان افغانستان وصفیه صدیقی از افغانستان اشتراک کرده بودند. در این همایش در ارتباط به وضعیت ادبی وعلاقه مندی نویسندگان افغانستان در جهت پیوستن به سازمان جهانی قلم سخنرانی هایی به وسیلهٔ پرتو نادری وصفیه صدیقی ارائه گردید. در نتیجه افغانستان به عضویت سازمان جهانی قلم پذیرفته شد، این امر به استقبال گستردهٔ نمایدگان رو به رو گردید. نماینده قلم روسیه به سبب تجاوز اتحاد شوروی پیشین، بر افغانستان از مردم افغانستان معذرت خواهی کرد وگفت من نمی دانم در طی سالیان تجاوز شوروی بر افغانستان چه تعداد ازنویسندگان و شاعران این سرزمین توسط نیروهای شوروی کشته شدند. بسیاری از نمایندگان قلم از کشورهای گوناگون اظهار آمادگی کردند که در آینده مرکز قلم افغانستان را حمایت می کنند. دراین کانگرس فهرست آن عده از نویسندگان وشاعران افغانستان که در سال های تجاوز اتحاد شوروی پیشین بر افغانستان به وسیله دولت های وابسته در زندان پلچرخی شهید شده بودند به وسیله پرتو نادری ارائه گردید. به همین گونه فهرست شاعران ونویسندگانی که در طی تقریباً سه دههٔ گذشته به وسیله دولت های دوره های گوناگون زندانی شده اند نیز ارائه شده است. سکرتریت بین المللی سازمان جهانی قلم انتظار دارد تا در این زمینه در افغانستان تحقیقاتی بیشتری صورت گیرد و این فهرست ها به گونهٔ مکمل به سازمان جهانی قلم ارائه گردد.

وزیر داخلهٔ مکسیکو در پایان همایش با اشتراک کنندگان این همایش دیدار کرد وشعری به زبان انگلیسی خواند و در ان از رنج ها و دردهای زن مهاجر افغانستان تصاویری ارائه کرد که بسیار جالب بود و مورد توجه اشتراک کنندگان قرار گرفت.

صفیه صدیقی پس از آن سخنانی کوتاه ایراد کرد و در طی آن از وزیر داخلهٔ مکسیکو صمیمانه ابراز تشکر کرد چون هیأت افغانستان (پرتو نادری و صفیه صدیقی) به وسیلهٔ نامهٔ ویژهٔ این وزیر بدان جا ره گشوده بودند.

پرتو نادری گفت: اکثر اشتراک کنندگان دراین همایش افغانستان را بیشتر به نام جنگ وکشمکش می شناختند و در بارهٔ ادبیات آن چیزهایی زیاد نمی دانستند هرچند برخی از آنان می گفتند از ادبیات افغانستان در حوزهٔ ایران وپاکستان چیزهایی می دانند. اما با این حال بودند کسانی که با ادبیات افغانستان کم وبیش آشنایی داشتند. نمایندهٔ ناروی برایم گفت که «اژدهای خودی» بهاؤالدین مجروح را از زبان فرانسه به زبان نارویژی ترجمه کرده است وبرخی دیگر از اشتراک کنندگان اروپایی گفتند که با شماری از کارهای عتیق رحیمی وسپوژمی زریاب آشنایی دارند.

اما رضا براهنی شاعر و نویسنده ونظریه پرداز ادبیات معاصر ایران گفته است که اطلاعاتی بسیار کم در بارهٔ ادبیات وشعر افغانستان دارد وکارهای برخی از شاعران به نام آن را به شعر دههٔ پنجاه ایران شبیه خوانده است.

سازمان جهانی قلم یک سازمان غیر دولتی است و مرکز سکرتریت بین المللی آن در شهر لندن موقعیت دارد. سازمان جهانی قلم هرساله همایش جهانی خود را در یکی از کشورهای عضو راه اندازی می کند. قرار است هتفادمین همایش جهانی قلم از ۶ تا۱۲ دسامبر سال آینده میلادی در شهر اسلو پایتخت ناروی راه اندازی شود. در همایش آینده بر علاوهٔ بررسی گزارش های کمیته های مختلف سازمان قلم، بررسی ادبیات اقلیت ها و بررسی ادبیات مهاجرت و نویسندگان در تبعید موضوع عمده خواهد بود.

برای لویه جرگه قانون اساسی

نمایندگان سمنگان انتخاب شدند

روز دو شنبه ۱۰ قوس انتخابات نمایندگان لویه جرگه تصویب قانون اساسی ولایت سمنگان در دانشگاه بلخ در شهر مزار شریف برگزار شد.

در این انتخابات که ۲۲۲ تن از نمایندگان دور اول لویه جرگه اضطراری از مرکز وولسوالی های سمنگان گرد آمده بودند زیر نظر سازمان ملل متحد و کمیسیون ساحوی مزار که پنج ولایات شمال را تحت پوشش دارد صورت گرفت.

در این انتخابات، ولایت سمنگان هفت کرس داشت که دو کرسی آن مربوط خانم هامی شد که پیشتر در مرکز سمنگان انتخاب گردیده بودند اما در پنج کرسی دیگر که هشت تن کاندیدا داشت افراد آتی برنده شدند:

۱-قاضی غوث الدین از ولسوالی خرم و سارباغ با کسب ۴۶ رأی.
۲-آقای ناصری از ولسوالی دره صوف با کسب ۴۱ رأی.
۳-انجنیر عبدالرووف از ولسوالی رویی دو آب با کسب ۳۳ رأی.
۴-انجنیر عزیز از مرکز اما نمایندهٔ دره صوف با کسب ۳۳ رأی.
۵-داکتر کرام الدین از ولسوالی دره صوف با کسب ۲۵ رأی.

ناظران و نمایندگان این انتخابات را آرام گزارش دادند و از روند آن راضی به نظر می رسیدند.

لیکواله

عبدالاحد تهزینوال

تاسو دعلمی ثقافت ډیره درنه اوغوره ډله یاست چې ټول بشریت داصلاح او هدایت لاري ته را کاږی ځو خبرې دپامه ونه غوږځوې ددی کړیدلی او ځوریدلی ملت دمعقولو غوښتنو دپاره قلم پورته کړي او کوم مسئولیتونه چې دلیکوال په غاړه دي رښتینی خواب ورکړی.

څنګه چې ۱۳۸۱او۱۳۸۲هجری د۲۳کلنی بدبختی او کډوډیو خاتمه بلل شویده له خپل قلم سره دمطبوعاتو دخپلواکی په لویه ورځ یوځل بیاد خپل لیك او هنر میدان او اکاړې ته چې ستا دکلونو ارمان وه پیښه کوي درسره په خاطر کې ولری.

راخی دهغی بلا په وړاندی چې هغه زمونږ ترمنځ قومي او لساني تعصباتو ته لمن وهي او دنفاق تخم کري پرېږدو چې زمونږ ملي وحدت او ملی هویت دتاریخ په صفحه کې تهدید کړي راخی دخپل قلمی مسئولیت په وړاندی خپل تاریخ. خپل فرهنګ او خپل کلتور یوندئ وساتو زمونږ قلمونه. فکروته باید ددې په تلاش کې وي چې تعصبات وژل، وطن جوړول او نوی ابادی دخپلو لیکنو سرکرښه او عنوان وګرزوو او پری لیکنی وکړو تاسی تیاری ته تیاره. رڼاته رڼا. ظلم ته تېرئ او نیکي ته شاباش وویاست.

دلیك دریمه پوړی، ټولنیزې اړیکی او دانسانی ژوندون مستقیمه او تیغه لار بلل کیږی چی دژوند په ټولو خواوو اغیزه لری. لکه څنګه چې دجامعی په وړاندې یوداکتر مسئولیت لری، یومعلم مسئولیت لری داسی باید لیکوال هم مسئولیتونه دخپل قلمی قضاوت په هغه سترګه وګاري چې دانصاف او عدالت سترګه بلل کیږي داسی لیکنی وکړی چې رښتینولي او صداقت عام شي او خلکو ته دښو او بدو ترمنځ تمیز وریه برخه کړی پخپل قلمی ځواك سره کولای شی دخپل ملت او خلکو احساسات او عواطف دیو عقیدوی، دینی، مذهبی جریان یاسیاسی تګلاری او همدارنګه په ټولنه کې دحاکم سیاسی نظام په ګټه یازیان راولړ زوئ

دلیکوال قلم باید دتعصب په اور اوبه واچوي دبیګناه او یوهو خلکو شهرت زیانمن نکړی دبی انصافیو او دروغو نه پرده پورته کړی او دهر هدف لپاره چې لیکل کوی داخیره په یاد وساتي چې دانصاف او حق مدعي یم

داهم منم چې قصد او کینه دانسان دطبیعت یوه چپی خانګه ده او انسانی ډانچه غچ او انتقام ته راکاږی مګر لیکوال باید ددې ګونګوسی نه په ډډه وي دمثال یا بیلګی په توګه که دافغانستان تیر تاریخ او تېرو لیکنو باندی یو ځغلنده نظر واچوو وبه ګورو چې پیښی او واقعات داسې دي چې دیو چا په زړو توب«شجاعت» او وطن پالی ئی خاورې اړولی او دچادخوشحالولو په خاطرئی دومره په مره خیتیه افراط ته ملاتړلی وی چې دخپل وجدان په قضا کې ورته خان پټ ملامت ښکاری مګر په خوله یې اقرار نشی کولای

تیر به هیر کړو اوس چې څه دپاسه د دوه لسیزو په تیریدو سره دقلم او لیك سپوږمکی دکسوف له ترګمی څخه راوتلی ده نوګران لیکوالان باید دبیا رغونې، پرمختګ او عرفان لاری په ګوته کړی ځکه که دچرګ اواز ویده خلك ویښوی نوستا دقلم زمزمه دملت مړه زړونه او ویده احساسات راویښوی لکه چې وائی«لیك دی چې ورته دعواطفو او احساساتو کوه طور ویلی شي» دخپل نوښت. تخیل. حافظی. دقلم دازادی څانګی او شعبی ښې وروزه او داوسنی ټولنې دترقی اړتیا لویي او وړې چاري دهغه برج او لوړو څخه وڅاره چې دبیا کتلو حاجت یې پاتې نشي او ستا قلم ته راتلونکی نسل دحیرانتیا ګوته په خوله کړی او ستا دقلم ستورئ مدام دمطبوعاتو په اسمان کې خلانده اوروڼ وی

پنځم مخ

سازمان عفو بین الملل

از نظامیان آمریکا در افغانستان انتقاد کرد

سازمان عفو بین الملل که مقر آن در لندن است، مقامات نظامی ایالات متحده در افغانستان را به دلیل کوتاهی در ارایه دلایل مشخص درمورد مرگ دو تن از شهروندان افغانستان در پایگاه هوایی بگرام مورد انتقاد قرار داده است.

در دسامبر سال گذشته این دو افغان به نامهای ملا حبیب الله ۳۰ ساله و دلاور ۲۲ ساله در زندانی در پایگاه هوایی بگرام جان خود را از دست دادند که تا کنون هیچ دلیلی برای مرگ آنان ذکر نشده است.

این درحالی است که مقامات آمریکایی قول داده بودند تا در زمینهٔ مرگ این دو افغان تحقیق کنند و نتایج ان را در اختیار رسانه ها قرار دهند.

او افزود که سازمان عفو بین الملل مصرانه خواستار ارایه جزئیات بیشتر پیرامون وضعیت این زندانیان در افغانستان است.

اما سرگرد برایان هیلفرتی یکی از مقامات آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی بگرام ضمن تأیید این که سال گذشته دو زندانی افغانستان تحت توقیف آنان جان خود را ازدست داده اند، دخالت مقامات امریکایی در قتل آنها را جداً رد کرد.

گفته می شود که نزدیک به ۱۰۰ نفر از شهروندان افغانستان به ظن همکاری با سازمان القاعده و گروههای تروریستی در توقیف ایالات متحده در پایگاه هوایی بگرام به سر می برند.

گفتنی است که در اثر بمباران نیروهای هوایی امریکاشب ۷ عقرب سال جاری در دهکدهٔ ارس درهٔ ویلک وانت ولایت نورستان ۸ از اعضای خانواده مولویو غلام ربانی والی پیشین ولایت کنر وعده یی از بستگان او جان هایشان را از دست دادند.

اما سازمان عفو بین المللی و دیگر نهاد های دفاع از حقوق بشر در مورد این حادثه غم انگیز که باعث تباهی خانواده هایی گردید هیچگونه واکنش نشان نداده و در زمینهٔ تحقیق این رویداد خاموشی اختیار کرده اند.